

فیفا آوردن آلات موسیقی به ورزشگاه‌ها را مجاز کرد

فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) و کمیته برگزاری جام جهانی آلمان آوردن آلات موسیقی توسط تماشاگران به داخل ورزشگاه‌ها را مجاز کرده‌اند زیرا این آلات جو فوق‌العاده‌ای را پیش از مسابقات به وجود می‌آورند.

به گزارش خبرگزاری رویترز از برلین، اما این جو شاد، با بلندگوها و پخش تبلیغات از صفحات تلویزیونی ورزشگاه‌ها خراب می‌شود. «وولفگانگ نیرسباخ» نایب رئیس فیفا در پاسخ به سئوالی در این مورد گفت: موافقم. اما برنامه ۱۲ دقیقه‌ای پیش از مسابقه برای معرفی تیم‌ها، کشورها و غیره در نظر گرفته شده است که جو ورزشگاه را تغییر می‌دهد. «مارکوس زیگلر» مدیر ارتباطات فیفا نیز اعلام کرد: این برنامه‌ها برای تماشاگران تهیه شده‌اند و تغییر آن خیلی دیر است.

با وجود این با بررسی تمام جنبه‌ها، در مورد ایجاد تغییرات ممکن تصمیم‌گیری می‌کنیم. نیرسباخ در مورد موسیقی پس از مسابقات نیز گفت: بعد از مسابقات، هنگامی که بازیکنان در حال برگزاری جشن پیروزی خود به همراه تماشاگران هستند، نباید موسیقی با صدای بلند پخش شود.

شروع تور کنسرت‌های رابی ویلیامز در اروپا
بی‌بی‌سی: در ماه نوامبر سال گذشته بود که پیش فروش بلیت های تور اروپایی «رابی ویلیامز» خواننده بریتانیایی شروع شد. اگرچه شاید هنوز هم بتوان برای بعضی از کنسرت‌های رابی ویلیامز در اروپا بلیت گیر آورد، اما تقریباً تمامی بلیت‌ها در همان روز اول پیش فروش، روی دست رفت و در عرض تنها ۲۴ ساعت بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار بلیت کنسرت های این خواننده به فروش رسید.
مجموع درآمدی که از طریق فروش این بلیت‌ها حاصل شد، بر حدود ۱۱۷ میلیون یورو بالغ می‌شود و با توجه به این ارقام، رابی ویلیامز رکورد تازه‌ای به‌پا کرده است. اولین کنسرت رابی ویلیامز در اروپا در دابلین پایتخت ایرلند برگزار شد، آن هم در روز نهم ژوئن، یعنی روزی که جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان با دیدار تیم ملی فوتبال آلمان و کاستاریکا افتتاح شد.

این خواننده معروف در کنسرتش در دابلین در استادیوم کروک پارک، شو دوساعته تماشایی به طرفدارانش ارائه کرد که در آن جای ترانه‌های محبوب و پرفروشش چه از آلبوم‌های قدیمی و چه از آلبوم جدیدش خالی نبود.

تور جهانی این خواننده ۳۲ساله بریتانیایی حدود شش ماه دیگر ادامه دارد و در روز ۱۷ دسامبر سال جاری میلادی به پایان می‌رسد.

کنسرت دابلین هم در واقع شروع کار بوده و رابی ویلیامز در چارچوب تورش بیش از ۴۰ کنسرت در ۱۴ کشور جهان برگزار می‌کند. جالب توجه اینکه اولین کنسرت رابی ویلیامز در آلمان در روز دهم ژوئیه، یعنی یک روز بعد از بازی فینال جام جهانی فوتبال برگزار می‌شود.

این خواننده پرتلفدار که حدود ۱۰ سال پیش از گروه Take That جدا شد و فعالیتنی سولو و بس موفق را شروع کرد، مجموعاً ۱۳ کنسرت در آلمان خواهد داشت، از جمله دو کنسرت در استادیوم المپیک مونیخ و دو کنسرت هم در استادیوم المپیک برلین. ناگفته نماند که کنسرت رابی ویلیامز در دابلین که اولین کنسرتش در سال جاری در اروپا بود، حسایی از او انرژی گرفت، چون خودش بعد از کنسرت گفت: «راشتن من نمی‌دانه که میک جاگر، خواننده ۶۳ساله گروه رولینگ استونز چطور از پس این همه کنسرت برمی‌آید. من که ۳۲ سال بیشتر ندارم، پوستم کنده شد.»



مهر : گروه موسیقی «کامکارها» در روزهای ۲۲ و ۲۳ تیرماه در فستیوال «تی میتار» مراکش به اجرای موسیقی می پردازد. گروه موسیقی کامکارها با ترکیب همیشگی خود طی روزهای ۲۲ و ۲۳تیرماه در فستیوال «تی میتار» مراکش در شهر «آگادیر» شرکت می کند.

در این جشنواره که گروه‌های زیادی از کشور های مختلف خاورمیانه شرکت دارند، گروه موسیقی کامکارها قطعاتی از موسیقی کردی را اجرا می کند. گروه کامکارها در این کنسرت هشت قطعه کردی اجرا می کنند که به گفته مدیر این گروه پنج قطعه آن تاکنون در هیچ کنسرت و آلبومی اجرا نشده است. بعد از دوسال کامکارها قصد دارند تیرماه امسال در کاخ نیاوران به اجرای موسیقی بپردازند.

گزارشی از جشنواره وین در سال موسارت

آهنگسازی نگران و مایوس از ما

کاملیا سیح

شد و نتیجه مسابقات بلافاصله بدین شرح اعلام شد :

نفر اول : آندراس برانتلید نوازنده ویولنسل (۱۸ساله) از سوئد.

نفر دوم : تین تینگ هلست نوازنده ترومپت (۱۸ساله) از نورژ.

نفر سوم : دیمتری می‌پورودا نوازنده پیانو (۱۲ساله) از روسیه.
کریستیان آرمینگ رهبر ارکستر در اجرای کلیه آثار این برنامه بود که از رهبران جوان و بسیار موفق سال‌های اخیر است. او ۳۵سال دارد و همکاری‌اش با سی جی اوزاوا رهبر طراز اول ژاپنی منجر به همکاری او با ارکستر فیلارمونیک ژاپن شده است. برنامه‌های جشنواره امسال شامل ۶۱ کنسرت، ۵ اپرا و بیش از ۲۵ اثر تئاتری بود. و قدر مسلم موسارت و آثارش در این برنامه‌ها جایگاهی خاص داشتند. اما از آنجا که سال ۲۰۰۶ صدمین سال تولد دیمتری شوستاکوویچ نیز هست، رهبران ارکستر آثاری از این آهنگساز مشهور را نیز در برنامه‌ها گنجانیده بودند. «وین مکان بی نظیری است و به طور قطع مهد ساز پیانو است.» این جمله‌ای است از موسارت که در یکی از کتاب‌هایش آورده است و شاید به این دلیل و در تایید گفته موسارت، رودولف بوخ‌بیندر پیانیست مشهور، این جشنواره را با یک ماراتن از کنسرتوپیانوهای موسارت آغاز کرد.

بوخ‌بیندر در اولین روز طی دو برنامه (صبح و بعدازظهر) هر بار ۳کنسرتوپیانو از موسارت را با همکاری ارکستر فیلارمونیک وین نواخت و رهبری ارکستر را نیز شخصاًعهده‌دار شد. او نوازنده‌ای است که موسارت را درک کرده و موسیقی‌اش را لمس می‌کند. اجرای فوق‌العاده او در آغاز جشنواره قابل ستایش بود. این هنرمند جشنواره را با دو کنسرت در یک سند و مجدداً با ۶ کنسرتوی دیگر از موسارت پایان داد. دانیل بارن بوم پیانیست و رهبر بسیار موفق معاصر نیز وزنه‌ای سنگین در برنامه‌های این فستیوال بود. او طی ۵شب، ۵کنسرتوپیانوی بهترون را شخصاً اجرا و نیز همراهی کرد.

بارن بوم در اجرای این آثار توانایی خارق‌العاده خود را به ثبت رسانید. در قسمت‌های آرام (موومان دوم) این آثار لطافت و ظرافت نوازندگی او به حدی بود که حضارن در سالن طلایی موزیک‌فراین جرات نفس کشیدن نداشتند و سکوتی غیرقابل تصور در سالن حکمفرما بود،

نوای موسیقی او چون نسیمی در فضا جریان داشت. گوتلیب والیش پیانیست جوان ایرانی- اتریشی که بارها در تهران شاهد هنرنمایی او بوده‌ایم، در این جشنواره و با اجرای آثار از موسارت همکاری داشت. ماریتزیو پولینی و آلفرد برنلد در پیانیست مشهور معاصر نیز هر کدام با رستتالی متشکل از آثار موسارت، هایدن و شومان شرکت داشته و با هنر و توانایی خود در نواختن پیانو گفته موسارت را تایید کرده و وین و دوستداران موسیقی را در هنر نوازندگی پیانو سیراب کرد. ماکزیم ونگروف ویولنیست خارق‌العاده از کشور روس نیز در برنامه‌ای شامل آثار موسارت، بتهوون و شوستاکوویچ کنسرتی موفق و بی نظیر ارائه داد. در زمینه اپرایی، ۴ اثر از موسارت با کارگردانی و اجرای نوین تقدیم دوستداران اپرا شد.

این آثار عبارت بودند از نی سحرآمیز، دون ژوان، کوزی فان توتوه و نیز اپرایی ناشناس از موسارت به نام

Zaide. این اثر را موسارت در سنین جوانی نوشته و

درس‌هایی از جان کیچ درباره موسیقی

مبارزه برای رهایی صدا و ریتم

ترجمه : علیرضا امیرحاجبی



یک حرکت می‌تواند جهت سازماندهی و ساخت موسیقی و انتخاب مواد موسیقایی به کار گرفته شود. در طراحی موسیقی حرکت لازم است هر دو بخش با یکدیگر تبادل مواد داشته باشند. پس از قبول چنین فرضی، موسیقی بیشتر از یک همراهی کننده عمل کرده و به عنوان بخشی لازم و صحیح مورد توجه قرار خواهد گرفت.

هم‌اکنون نیرویی که از سمت تبادلات هنری پایدار پدید می‌آید در هنرهای اجرایی مدرن اندک و بی جایگاه است. گویی این هنرها (اجرائی) خواستار نوعی سازش و قبول بی‌چون و چرای مقولات سایر هنرها و روش‌ها هستند. یا کاملاً به اقتباس روی می‌آورند یا خود را به برداری می‌فروشند. تکنیک‌ها خشک و نامتعطف است و هنوز هم کمتر پیش می‌آید که ذهن یک طراح یا بازیگر به سمت تغییرات بنیادین معطوف شود.

کلاس‌های آموزشی نیز صحنه بدل و بخشش جدیدی است که به طور مرتب و البته همراه با ابراز احترام‌های مبالغه‌آمیز بین استاد و شاگرد تشکیل می‌شود.

آن‌گاه که پیروی کورکورانه و متعصبانه از آموزگاران و اساتید ادامه یافت همه چیز به سمت یک بروهوت آموزشی حرکت کرده و نوعی ناامنی ژرف عمومی سراسر این هنرها را دربرخواهد گرفت. متأسفانه در مورد جوانان، نه به «انگیزش‌های احساسی» آنان توجه شده و نه به امور الهامی و مکاشفه‌گون آنها و هنوز هم چگونگی آشکارسازی چشم اندازه‌های زندگی در جوانان اهمیتی ندارد. جوانانی با اذهان تاریک و بلا تکلیف که حرکاتشان در ذهن مخاطبان چیزی است غیرقابل فهم و با فعالیت‌های سطحی و سست، بی‌دوام، متغیر و



چون به او ایراد گرفته شد که اثری بسیار جدی و سنگین است، آهنگساز از اتمام و ارائه آن خودداری کرد. کمیته برگزاری جشنواره وین اجرای این اپرا را به عهده گرفت و به مناسبت تولد خالقش آن را به اجرا گذاشت. در جشنواره امسال وین، نکته‌ای که بیش از همیشه توجه را به خود جلب می‌کرد، نحوه برگزاری و تنظیم برنامه بود که در همه آنها یک هدف قابل ستایش لمس می‌شد و آن جذب نسل جوان به موسیقی کلاسیک بود.

یکی دیگر از نکات قابل توجه، تصویری از موسارت بود که در تمام شهر وین و بر روی کلیه بروشورها و تابلوها به مناسبت آغاز فستیوال و سال موسارت وجود داشت. تصویری کاملاً خاص که قدرمسلم پیامی را همراه داشت. . . آیا موسارت نیز از وقایع و دگرگونی‌های جهان در قرن حاضر نگران و مایوس است؟ جشنواره در روز ۲۸ خردادماه همان‌طور که در آغاز به آن اشاره شد با دو کنسرت از آثار موسارت و با نوازندگی و رهبری بوخ‌بیندر به پایان رسید.

در یکی از اجراهای اخیرمان در «کالج کورنل آیوا» دانشجویی از دبیر خود پرسید: «این حرکات چه معنایی دارند؟» دبیر پاسخ داد: «آرامش. در این اجرا هیچ نشانه و نمادی وجود ندارد تا تو را مضطرب و گیج کند. فقط از خودت لذت ببر!»

من هم می‌توانم اضافه کنم: «در این اجرا نه داستانی

وجود داشت نه مسائل روان شناختی. تنها یک فعالیت ساده حرکتی، نور و مجموعه‌ای از اصوات بود. طراحی‌های ساده. ساده‌ترین شکلی که ممکن است دیده باشید.»

فعلیت در اجرا، تحرک در بدن است. این همان چیزی است که کانتینیگهام روی آن تأکید و توجه دارد. این تحرک در سطوح عضلانی خلاصه نمی‌شود. در زندگی روزمره مردم اغلب مشاهده می‌کنیم که چهره‌ها، حرکات معنادار و اشاره‌های سر و دست نوعی ترجمه قلمداد می‌شوند. اما در مورد اجراهای گروه ما، تمامی بدن مورد مطالعه و استفاده قرار می‌گیرد. این کل نگری روی اجزای بدن جهت کشف توانایی‌های جنبشی و لذت از میل طبیعی لازم است. وقتی به پرواز پرندگان می‌نگریم به وسیله تطبیق، همانند سازی، پرش، سرخوردن و جهش این توانایی را قابل حصول و مشاهده می‌کنیم. بدت و تازگی آثار ما، حرکتی است با مختصات ساده انسانی که از جهان، طبیعت و جامعه‌ای اخذ شده که همگی ما جزئی از آن هستیم. این روش نه بیرون روی از اغتشاش است و نه پیشنهادی برای اصلاح امور. چیزی است ساده مانند «از خواب برخاستن» خوابی که در آن زندگی می‌کنیم.

منبع : **Cage.J. Silence. Middletown. COnn Wesleyan Univ. Press: 87- 97. 1973**

سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۵

ریتم

داستان به وجود آمدن اپرای کارمن

شاید اپرای کارمن پرآوازه‌ترین اپرای جهان باشد اما برخلاف باور عموم، ژرژ بیزه و نویسندگان اشعار اپرای او هیچ نقشی در داستان اصلی نداشتند.

چرا که کارمن داستانی بسیار قدیمی‌تر از اینها است که برای اولین بار در سال ۱۸۴۵ به شکل یک رمان منتشر شد. پروسپه مریمه نویسنده و تاریخدان فرانسوی قرن نوزدهم طی سفری به اسپانیا این داستان را از زبان یک کنتس شنید.

داستانی که او نقل کرد درباره یک دختر کولی اسپانیایی و معشوق حسودی بود که پس از پی بردن به خیانت دختر، او را می‌کشد. داستانی که مریمه بازنویسی کرد با آنچه شنیده بود تفاوت‌هایی داشت. در داستان او کارمن دختر کولی نقش محوری داشت و زنی فریبنده و بسیار جذاب بود.

او مردان را به کمک زیبایی و رقص خود به دام کشیده و آنها را مانند بردگان خود به دنبال می‌کشید. عاشق او، خوزه، مردی سلطه‌جو معرفی می‌شود که بلافاصله مسحور کارمن شده و گردان نظامی‌اش را ترک می‌کند و بعد متهم به جنایتی که انجام نداده می‌شود.

دن خوزه پس از اینکه می‌بیند کارمن بدون توجه به فداکاری‌های او حاضر نیست به عشق او پاسخ دهد، در پایانی تراژیک او را به قتل می‌رساند. در رمان، داستان در زمانی که دن خوزه در زندان به انتظار اعدام است، برای راوی حکایت می‌شود.

لازم به ذکر است که مریمه به این اثر خود بسیار می‌بالید. او برای نوشتن ماجراهای سفرهایش بسیار شهرت داشت اما همان‌طور که انتظار می‌رفت، به خاطر نوع داستان از این اثر استقبال نند.

پاریس که محل مهمی برای ارائه آثار ادبی به شمار می‌رفت در آن زمان تحت سلطه گرایشات اخلاق گرایانه بود و داستانی از این دست، بی‌سر و صدا از کتابفروشی‌ها و مطبوعات دور نگه داشته شد. در سال ۱۸۷۴، بیزه داستان کارمن را برای اپرای خود برگزید. دودوک هالوی و هنری میلای سرایندگان محبوب اشعار اپرا در آن زمان اشعار موجود را تغییر دادند و چنین شایع بود که آن دو با انتخاب بیزه چندان موافق نبودند.

بیزه با تعدادی از تغییرات آنها مخالفت کرد و آنها را موجب باعث شدن اشعار دانست. به نظر او اینها می‌بایست تکان‌دهنده و موثر باشد. در متن اصلی، هیچ تصویری از مردی که مورد علاقه کارمن باشد وجود نداشت. اما در اشعار شخصیتی به نام اسکامیلو که یک اسپانیایی زند و بیکاره بود ظاهر شد.

یک زن موطلابی به نام میکائلا نیز برای تعدیل شخصیت خوزه به داستان اضافه شد تا در ضمن نقطه مقابل شخصیت کارمن هم باشد. گروه کر و همچنین سربازان و افسران ارتش نیز در این اپرا پدیدار شدند. کارمن هم، همان زن دل‌فریب، خودرای و ویرانگر داستان باقی ماند. با این وجود در این شخصیت قدرت و احساساتی چنان نیرومند وجود دارد که همواره قلب تماشاگران را تسخیر کرده و آنها را در جانب خود نگه داشته است.

او از مواجهه با مرگ نمی‌هراسد و در واقع به نظر می‌رسد که در انتظار آن بوده است. جالب است که کارمن با نارضایتی شدیدی روبه‌رو شد. جلسات تمرین منظم برگزار نمی‌شد و تعدادی از بازیگران قبل از اجرا کار را ترک کردند. موسیقی آن که اندکی ماهیه‌های اسپانیایی داشت هم با مخالفت روبه‌رو شد و منتقدان آن را با کلماتی نظیر «غیراخلاقی» و «سطح پایین» توصیف کردند. بیزه، به‌رغم جوایزی که به خاطر این اپرا دریافت کرد، کارمن را یک شکست می‌دانست.

با این وجود تا امروز اپرای کارمن تقریباً در تمام سالن‌های اپرای جهان اجرا شده است. نقطه قوت کارمن در این است که خود را درگیر یک پیام اخلاقی نکرده است، بلکه به شخصیت‌ها اجازه داده شده در مسیر خود حرکت کنند تا در نتیجه آن، هوس‌های کارمن با رفتار بی‌پروای دن خوزه، تقوا و خداترسی میکائلا و جاذبه مردانه اسکامیلو ترکیب شود و داستانی نفس‌گیر به وجود آرد.

منبع : **سایت گفت و گوی هارمونیک**

خبر

ارکستر سمفونیک تهران در آلمان

ایستا: رهبر ثابت ارکستر سمفونیک تهران گفت : در تلاش هستیم، سالی دوبار برای ارکستر سمفونیک تهران تور بگذاریم. نادر مشایخی در ادامه تصریح کرد: در همین راستا، اواخر مردادماه شش کنسرت را در آلمان برگزار می‌کنیم که یکی از آنها در اپرای برلین خواهد بود.

مشایخی در ادامه از چشم‌وهم‌چشمی و زیرآب زدن از برخی هنرمندان انتقاد کرد و گفت : قابلیت‌های موسیقی ایران به حدی است که احتیاجی نیابد برخی از این کارها، بخواهند به جایی برسند. ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نادر مشایخی، نخستین گروه کامکارها در این کنسرت هشت قطعه کردی اجرا می‌کند که به گفته مدیر این گروه پنج قطعه آن تاکنون در هیچ کنسرت و آلبومی اجرا نشده است. بعد از دوسال کامکارها قصد دارند تیرماه امسال در کاخ

نیاوران به اجرای موسیقی بپردازند. گروه موسیقی «کامکارها» در روزهای ۲۲ و ۲۳ تیرماه در فستیوال «تی میتار» مراکش به اجرای موسیقی می پردازد. گروه موسیقی کامکارها با ترکیب همیشگی خود طی روزهای ۲۲ و ۲۳تیرماه در فستیوال «تی میتار» مراکش در شهر «آگادیر» شرکت می کند.